

نقد مبانی محمد باقر بهبودی در نظریه تدوین کافی و تضعیف برخی رجال کلینی

□ سید شفیع هاشمی *

چکیده

دیدگاه گزینش احادیث کافی از میان سه صد هزار حدیث و تضعیف برخی راویان آن مانند ثمالی، برقی و یقطینی و ...، نگرش معاصرانی مانند آقای محمد باقر بهبودی است که با بررسی موارد ثابت شد که نظریه‌های چنین مبانی با معیارهای علمی دانش روایت و درایت مطابقت ندارد بلکه کتاب جامع کافی طبق قواعد علمی شناخته شده‌ای اصحاب مذهب و با علم نویسنده کافی از مقام وثاقت راویان حدیث اهل بیت فراهم گردید هم چنین در بررسی احوالی راویان (مورد مناقشه) احادیث کافی ثابت شد که آنها عادل و موثق هستند. تحقیق حاضر به تبیین مبانی بهبودی در موضوع مزبور پرداخته است.

کلید واژه: گزینش، کافی، کلینی، مبانی، نقد، بهبودی.

مقدمه

یکی از مباحث مهم در دانش حدیث نگاه کیفی در نحوهای تدوین منابع حدیثی است که برخی علماء از جمله استاد «بهبودی» درباره نحوهای جمع آوری احادیث کافی و تضعیف برخی رجال روایت آن با عموم علما اختلاف دارد که خلاصه مبنای بهبودی در بارهای احادیث کافی چنین آمده است:

«شیخ کلینی کتاب کافی را از میان سه صد هزار حدیث انتخاب کرد که به شانزده هزار روایت می‌رسد به علاوه که شماری رجال کافی مانند ابوحمزه ثمالی، خالد برقی و ابوجعفر یقیننی و ... ضعیف نیز هستند با توجه به این که انتخاب احادیث کافی از میان مجموعهای حافظ ابن عقده با ضعف شمار رجال مورد ملاحظه هست پس نمی‌توان به روایات کافی اعتماد نمود مگر طبق صحت آنها با موازین دانش حدیث، اثبات گردد.» مقاله حاضر می‌خواهد دیدگاه بهبودی را درباره گزینش روایات کافی و تضعیف رجال نامبرده بررسی و نقد کند.

دربارهای ضرورت موضوع باید گفت: هنگامی که درباره کتاب مهمی چون کافی بحث می‌شود شخص حدیث پژوهی چون بهبودی دیدگاهی ارائه می‌کند می‌سزد بررسی گردد که آیا نحوهای جمع آوری احادیث کافی و برخی رجال مربوط در واقع چنان است که بهبودی گفته است یا چنین نیست؟ در این باره بایستی دیدگاه عالمان متقدم، متأخر و معاصر حدیث نیز در نظر آید تا اعتبار نگاه بهبودی در میزان علمی دیده شود از این لحاظ بیان موضوع دیدگاه خاص بهبودی ضرورت دارد که نقد شود.

طرح موضوع

بررسی دیدگاه‌ها در موضوع حاضر این فائده را دارد که افکار متعارض یا احیاناً پرسشگر و پاسخ‌یاب به یکدیگر نزدیک می‌شوند و در آزمون سنجش‌های منصفانه‌های علمی قرار می‌گیرند آن دسته نگرش‌ها یا مبانی‌ای که با موازین مقرر، همراهی دارند اعتبار می‌یابند اما آنکه طریق منفرد یا خلاف واقعیت تشخیص داده شوند ابهامات آن آشکار می‌گردد. از این رهگذر بسیاری آسیب‌ها در حوزه‌های اعتقادی و دیدگاه‌های معرفتی کاهش می‌یابد و جامعه از تبعات انفراد گرایی‌ها مصونیت می‌یابد که نقد دیدگاه‌های اشخاصی مانند بهبودی چنین آثاری را به دنبال دارد.

طرح چنین مباحث، کمتر پیشینه دارد. مبانی بهبودی پس از مباحث علل الحدیث و معرفة الحدیث وی در محافل مطرح شد برخی مقالات و پژوهشهای مستقل، دیدگاههای بهبودی را در مجلات یا روزنامه‌ها پس از هرچند مدت بازتاب داده‌اند که فرا نگرانه از اصل است بیشتر نویسندگان نظریات بهبودی به توسعه‌های دیدگاههای وی گرایش دارد به این تقریب که معتقدند: چون اهل سنت صحاح دارند شیعه هم باید داشته باشند یا آنها چنین نگاه دارند و صحاح شان بدین گونه انتخاب شده‌اند پس علمی خواهد بود که دیگر جوامع حدیث حتی از شیعه نیز چنین باشند!

بحث‌های درباب مبانی بهبودی به همسانی شیوه‌های حدیث نویسی خاص، نظر دارد که اگر کتاب‌های حدیث اعتبار یابد، باید مراحل کتاب‌های موجود مسلمین را طی کند تا شأن علمی لازم را بیابد. هریکی از نقد نویسی‌ها درباره مبانی بهبودی تحت کلیت تحسین دیدگاه‌ها و جانب داری از نظریات او جهت گیری می‌یابد اما به صورت مشخص که دیدگاه بهبودی درباره انتخاب احادیث کافی از میان سه صد هزار حدیث مورد ادعای وی نقد شده باشد تا کنون مقاله تجمیعی با ذکر چند راوی و البته با چنین رویکرد، دست یاب نشد. ولی به صورت خاص و موردی می‌توان به سطر یا سطور پراکنده از گفته‌ها در مقالات یا نامه‌های پرسش و پاسخ‌ها به‌جامانده اشارت کرد.

از این رو مقالهای حاضر در نگاهی به دیدگاه بهبودی در کیفیت انتخاب احادیث کافی پرداخته تضعیف رجال نامبرده را در پرتو دیدگاه عالمان بیشتر حدیث بررسی می‌کند تا روشن شود: مبانی بهبودی صحیح است یا خیر؟ تحقیق حاضر بانام «نقد مبانی باقر بهبودی در نظریه تدوین کافی و تضعیف برخی رجال کلینی» می‌پردازد. این مبحث در دو قسمت طرح می‌گردد.

نقد مبانی بهبودی در نظریه تدوین کافی و تضعیف رجال کلینی

قسمت اول: نگاه بهبودی در گزینش اولیه کافی.

بهبودی درباره شناسایی احادیث کافی دیدگاه خاص دارد که در دانش حدیث شناسی کلینی آن را نگاه جدیدی دانست. دیدگاه بهبودی در شناخت احادیث صحیح به طور عموم و در کافی به نحو خصوص فراتر از شیوه‌های عرف علمای حدیث است به عبارت دیگر ملاک‌های قبول روایت از دیدگاه رعایت نشده در واقع مغفول مانده است از این روست که وی به معیارهای

دقیق‌تر شناسایی احادیث کمتر می‌پردازد همین خصوصیت سبب گردید که طبق ریفافت او راویان حدیث به حکم مطلق تردید، متصف گردند. و، و نمای یافته‌های تحقیقی او با تأثر از غلبه‌های چنین نگاه‌ها به ناهم‌سویی منتهی شود. از این رو بسیاری احادیث از ناحیه چنین نگرش‌های مضیق به تقلیل صحت منتهی می‌شود.

با چنین ملاحظه، وی طرح دیدگاه خویش را در گزینش اولیه احادیث کافی در صحیح نویسی و اعتقاد به مطابقت آن را با قواعد مخصوصی، مجاز شمرد و معتقد شد: به نتایجی دست یافته است که نسبت به دیدگاه‌های گذشته در صحیح نویسی برتری دارد نگاه‌های انتقادی بعدی او در مباحث به نحو کلی از چنین نگرشی متأثر است که بحث پیش رو بدان می‌پردازد.

دیدگاه بهبودی در انتخاب کافی از بین سه صد هزار حدیث

استاد بهبودی می‌گوید: احادیث شیعه از بین سه صد هزار حدیث انتخاب شد؛ شیخ کلینی مجامع حدیثی فراوانی در اختیار داشت که از آنها بهره گرفت وی در فراهم آوری احادیث کافی، رنج فراوان رحلات را به دوش کشید تا احادیث را باز شناسد. در مسافرت‌های توان فرسای علمی، به محافل علمی شهرهای ری، قم، کوفه و بغداد حضور یافت عالمان سرشناس و محدثان مشهور دیارهای نامبرده را ملاقات کرد و از محضر دانش حدیث آنها فیض برد اما در این گردش علمی آنچه را که کلینی تشخیص می‌داد مطابق معیارهای معرفت الحدیثی به تبعیت از موازین علل الحدیثی به گزینش پرداخت گاهی او ناچار شد که برای تمیز احادیث، وقت بیشتر صرف کند از این رو وی در برنامه‌های خویش باز دید از محلات خلوت و دور از مزاحمت را نیز در دستور قرار داد از همین رو به مناطق نه چندان مشهور حدیثی نیز سفر داشت و از احوال آن مناطق با خبر بود. استاد بهبودی در بارهای این مطلب - که احادیث کافی از بین سه صد هزار حدیث ابن عقده انتخاب شد - به صراحت می‌گوید:

«باید گفت: شیخ کلینی تنها پنج درصد احادیث را در کتاب کافی گرد آورده و نود و پنج درصد آن را زائد و مکرر یا جعلی و نامعتبر تشخیص داده است.»

سپس وی در استناد به منابعی می‌گوید: ابن عقده حافظ به شمار سه صد هزار عدد احادیث مزبور گواهی داد. سپس بهبودی به چنین نتیجه‌ای می‌رسد که گویا حافظ ابن عقده استاد کلینی گفته است: من سه صد هزار حدیث داشته‌ام که محمد بن یعقوب کلینی شمار آنها را از وی اخذ کرد و این محدث توانست از میان آنها کافی را برگزیند که بر شانزده هزار روایت مشتمل می‌شود بدین ترتیب. جمع احادیث کتاب او سامان یافته است!

ملاحظه:

اما این دیدگاه بهبودی به دلایل زیر درست به نظر نمی‌آید که احادیث کتاب کلینی از بین سه صد هزار حدیث ابن عقده گزینش شد و با معیارهای حدیثی کلینی فقط شانزده هزار روایت صحیح است و دو صد و هشتاد و چهار هزار دیگر شروط صحت را ندارد. زیرا:

اولاً: صحیح نیست که گفته شود: شانزده هزار حدیث کافی از بین سه صد هزار حدیث ابن عقده انتخاب شده که کلینی به آن دسترسی داشته است؛ زیرا پرداختن به گزینش هر فردی از روایات با موازین دانش حدیثی، و تشخیص صحیح از ناصحیح آن بسی آشکار است خاصه این امر برای محدثان ناموری که با مضایق فرصت مواجه‌اند دشواری‌های فرا طاقت دارد. مثلاً: بررسی لازم هر حدیث، زمانی بسیار می‌طلبد که اگر برای شناسایی هر حدیث تا کشف اعتبار آن زمان متعارف چند روز را در نظر بگیریم واحادیثی به بررسی‌های دقیق‌تر بیش از چند روز نیاز دارد و اگر هر یکی از آنها را بر روزهای زندگی محدث تقسیم نمایی زمانی بس طولانی‌ای لازم خواهد بود تا ناسره‌های غیر مقصود از صحاح متمایز گردد به‌ویژه که بیشتر حدیث، مورد عمل قاطبه شیعه نیز بوده باشد..

به علاوه‌های استبعاد چنین گزینش خاص که بسیار پیچیده‌تر از معمول به نظر می‌رسد برای تحقق و تثبیت چنین نتیجه باید تحول مهم حدیث شناسی، زمانی اتفاق بیفتد که سه صد هزار حدیث مورد ادعا در جامعه اعتبار داشته و معمول به پیروان مذهب نیز بوده است گویا این شیخ کلینی است که با اجتهاد خصوصی خویش تنها با نود و پنج در صد آنها به مخالفت برخاسته گویا مخالفت او به قدری ضرورت داشت که تأیید صریح یا ضمنی معاصران را نیز به دنبال آورد در تثبیت این نگاه بدون دغدغه، می‌بینیم که پنج درصد مقبول از آن مجموعه‌های حدیثی بزرگ، جای نود و پنج درصد مردود را گرفت. این در حالی است که فاصله مرحوم کلینی به عصر امامان شیعه کمتر از یک نسل است چگونه روایات منتخب نویسنده، می‌تواند بازتابی از مجموعه نود و پنج درصدی مورد عمل عصر خویش باشد؟

ثانیاً: گزینش پنج در صد روایت صحت آنها مستلزم معرفت گروهی یا فردی نسبت به نود و پنج درصد یاد شده است که اکنون دست کم نیمی از تعداد احادیث یاد شده یا یک سوم آن لزوماً باید موجود باشد ولی چنین نیست می‌بینیم که از میان آن مجموعه‌های یاد شده‌های بزرگ، گویا همه‌های آنها نابود شده‌اند. فرض این است که روایات موجود حافظ ابن عقده به اعتنای مذهب اهل بیت ربطی ندارد و گر نه همین روایت‌ها نیز مورد اشکال کلینی و قاطبه عالمان مذهب خواهد

شد پس با ملاحظه حجم احادیث انباشته‌های یاد شده نزد ابن عقده که کلینی آن را شناسایی کرد و به گزینش شخصی بدان پرداخت آیندگان نیز حقوق پالایش گری را برای خویش مجاز می‌شمارند و ادامهای چنین روند انفراد گرایی ممکن است پس از گذشت مدت اندک، تغییرات نابود کننده دیگر در انتخاب های آینده پدید آرد آنگاه قواعد جدیدتر حکم می‌کند که یک دهم احادیث فعلی یا بیشتر کافی نیز برای تأیید خویش به سبک اولیه انتخاب شود به دلیل این که اسناد لازم برای کشف وثاقت فعلی راویان حدیث برای محققان معاصر موجود نیست هر چند آتش سوزیهای بزرگ تاریخی کتابخانه‌ها، جنگ‌های ویرانگر مذهبی و حملات نابود کننده ناشی از تعصب قومیت‌ها و مذاهب در قدیم و جدید رخ داده است و در آینده نیز رخ می‌دهد که امر اجتناب ناپذیر است. ولی چنین گزینش گری قابل توقف نیستیابد ایست داشته باشد. پس در این شرائط. آیا سرنوشت صحت یابی های جدیدتر و پالایش گری حتمی‌تر در انتظار تمامی روایات نخواهد بود که به مذهبی خاصی هم تعلق ندارد؟

ثالثاً: سخن بهبودی در این باره که گفت: «رحمت خدا بر کلینی باد، از میان سیصد هزار حدیث فقط شانزده هزار حدیث را انتخاب کرد و نام آن را کافی نهاد یعنی ما به سایر احادیث نیازی نداریم» چنین نقل از ابن عقده که وی سه صد هزار حدیث شیعه را در اختیار داشت صحیح به نظر نمی‌آید.

زیرا: حافظ ابن عقده، ارتباط مطمئن با علوم اهل بیت (ع) نداشت و حافظ احادیث اهل بیت (ع) نبود، او به معنای مصطلح حدیث، شیعه نیست عقیده‌ای عام داشت، خطیب بغدادی (م: ۴۶۳ هـ) می‌گوید که ابن عقده زیدی بود رزکلی (م: ۱۳۹۶ هـ)، نیز گفت که: ابن عقده زیدی جارودی است به علاوه، ابن عقده در تراجم اهل سنت به فرد متشیع شناخته می‌شود که ثبوت گرایش خاص شیعی او مورد بحث است، شیعه در اصلاح آنها بین مفهوم تقدم امام علی (ع) بر عثمان مردد است اما در نهایت حضرت علی (ع) را در مرحله‌های سوم می‌پذیرند. که از توصیف شیعه به معنای اخص باز می‌ماند.

باری نظر به تردید ابن عقده در مسئله‌های حقانیت امام علی بر عثمان، ذهبی می‌گوید: گاهی علما ابن عقده را به تشیع نسبت می‌دهند لکن روایت او بدین نحو بر عدم غلو او در تشیع دلالت می‌کند.

با ملاحظه دیدگاه اهل سنت درباره فردی مانند ابن عقده که از طرف مترجمانی مانند ذهبی توصیف می‌شود ثابت می‌گردد که گاهی او را به تشیع نسبت می‌دهند نه همیشه یا این که او در

مفهوم شیعه به نحو خاص ممحض با شدیدا اعتقاد لازم درباره‌های روایات تفصیل امامت داشته باشد. خیر؛ چنین نگاه درباره ابن عقده موجود نیست و با وجود چنین و صفی اختلافی، چگونه می‌توان به اسناد ابن عقده ترتیب اثر داد و گفت که احادیث او متسالم علیه شیعه امامیه است؟ به علاوه امور دال بر گرایش‌های خاص شیعی ابن عقده کم هم نیست. ذهبی (م: ۷۴۸ هـ)، می‌گوید: ابن عقده روایت کرد که سفیان می‌گفت: حب علی و عثمان در محل واحد جمع نمی‌شود مگر در قلب مردان نامور علمی. پس گفته‌های بهبودی در استناد به ابن عقده جارودی یا متشیع غیر امامی که کافی از سه صد هزار حدیث او گزینش شده است صحیح نیست.

رابعا: به این نظریه که احادیث کافی از بین سه صد هزار روایت گزینش شد محققان معاصر واکنش نشان داده آن نپذیرفته‌اند و برخی مانند علامه سبحانی در نقد آن می‌گوید:

«بنابر این آیا صحیح است با بودن یک جمله درباره حافظه ابن عقده و این که سیصد هزار حدیث از حفظ داشت، قاطعانه داوری کنیم که کلینی کتاب کافی را از سیصد هزار حدیث برگزیده است؟ و مدعی شویم که آمار حدیث شیعه در عصر کلینی به سیصد هزار می‌رسید. این همان برداشته‌های نامطلوب و غیر صحیح است که ایشان از تاریخ دارند. حال اگر مشابه این برداشته‌ها پایه حذف سه چهارم احادیث کافی باشد زیانبار بودن کار ایشان در جدا سازی احادیث ملموس می‌شود.»

بدین ترتیب نگاه اختصاصی استاد بهبودی در انتخاب احادیث کافی از سه صد هزار حدیث ابن عقده با معیارهای پذیرفته شده‌ای حدیث شناسی، قابل تطبیق بر واقعیت نیست به علاوه استناد صحت احادیث کلینی به شخص منفرد مورد منازعه مذهبی چون ابن عقده به تردید بیشتر می‌افزاید. از این رو اصرار بر قطعیت غیر قابل اثبات چنین گزینش خاص به دلایل بیشتر علمی نیاز دارد تا بتوان گفت که چنین گزینش انجام گرفته است.

قسمت دوم: نگاه بهبودی در تضعیف برخی رجال کافی

بهبودی چنانکه در اصل گزینش احادیث کافی نگاه متفردانه دارد هم چنین با معیارهای شخصیت شناسی در رجال کافی نیز به سمت ناهمسویی‌های فاحش قرار گرفته در منهج حدیث شناسی او قاعده مقرر هنوز جایگاه معتبر نیافته است و او در تضعیف برخی رجال موثق کافی سخنان ناپایداری دارد و با پافشاری بر درستی چنین دیدگاه تاکسد می‌ورزد. وی گاهی درباره راوی

اخبار، ضرورت جستجو یا تحقیق لازم را هم لازم نمی‌داند گو اینکه اصل در خبر عادل عدم قبول یا رد اولیه حدیث او ست. استاد بر اساس پذیرش چنین دیدگاهی رجال کافی را پی می‌گیرد و به تمایز روایات می‌پردازد.

وی درباره شماری روایان حدیث کافی بدون رسیدن به مرحله‌ای لازم، ادعا می‌کند که برخی آنها افعال محرم مرتکب شده‌اند و ارتکاب منهی از محدث، سبب عروض فسق گردیده باعث می‌شود که راوی، مصداق غیر قابل اعتماد شناخته شود و صفت عدالت او زایل شود.

البته طبق دیدگاه بهبودی اعتماد بر خبر آن عده محدث، جائز است که درباره اثبات فسق او گفتگو جریان دارد و یا فعل منهی از امور اختلافی است. چنان که جرح درباره ابوحزمه ثمالی یا در باره برقی که می‌گوید از ضعفاء است از این نوع است اما وی، با چنین نگاهی روایت‌هایشان را بی اعتبار می‌شمارد یا شخصیتی مانند محمد بن عیسی یقطینی را ضعیف می‌شمارد و احادیث او را نمی‌پذیرد.

با پیگیری‌های در موضوع تضعیف رجال، بخشی از سیاق نگاه او روشن می‌شود که آقای بهبودی شخصیت‌های دیگر رجال کافی را به ضعف یا غلو یا انفراد روایت ... جرح می‌کند که مواردی بیشتر را می‌توان نام برد اما این مختصر مجالی برای پرداختن به موارد زیاده را ندارد و شماری از رجال پیش گفته که بهبودی احادیث آن‌ها را رد کرد بررسی می‌شود تا روشن شود: آیا محدثان مورد اشارت با جرح‌های اعلامی بهبودی مجروح‌اند تا گفته شود پس روایت‌هایشان اعتبار ندارد یا چنین نیست بلکه اطلاق اصطلاح قدح از طرف استاد بهبودی به راویان نامبرده، علمی نیست و می‌تواند روایت‌های نام برده‌ای رجال کافی را معتبر دانست و به احادیث آنها اعتماد و احتجاج کرد. اکنون شماری از راویانی که بهبودی بر آنها نظر دارد.

یک - ابوهزمه الثمالی (ت: ۱۵۰ هـ)

وی یکی از شخصیت‌های روایی کتاب کافی، است که حدود (۳۱۶) روایت در کافی و (۱۱۶) روایت در سه کتاب دیگر دارد اما. بهبودی به تضعیف وی پرداخته می‌گوید:

«اصحاب ما ابوحزمه الثمالی را بدان سبب توثیق کرده‌اند که وی سلامت اعتقاد داشت و فسق جوارحی و لغزش‌های فعلی او به راست گویی‌اش زیان نمی‌زند اما قاعده نزد من (= بهبودی) چنین است که خبر فاسق مردود است مگر صدق خبرش از ناحیه دیگری شناخته شود و- ابوحزمه - فاسق است طبق گفته‌های رجالیان قدیمی، چون علی بن فضال ... او شرب نبیذ

می‌کرد. اما این که گفته شود: ابوحمزه در ادعایی، شرب نبیذ را ترک کرد آن را نمی‌توان پذیرفت به‌ویژه که این ادعا قبل از موت یا هنگام شرف موت او باشد زیرا فاسق تا زمانی که فسق بر او صدق کند مورد اطمینان نیست و ادعای توبه به حال روایت‌های سابق او، مفید نیست.»

ملاحظه: درباره ابو حمزه ثمالی دو نکته بیان می‌گردد؛ نکته اول - مکانات ابوحمزه نزد علماء او ثابت بن ابی صفیة ابوحمزه ثمالی نامیده می‌شود و نام ابی صفیة، دینار است، عالمان شیعه در بارهای ابوحمزه ثمالی دیدگاه مثبت دارند و جایگاه او را معتبر می‌دانند: نجاشی (م: ۴۵ هـ) می‌گوید: او از برگزیدگان اصحاب، نیکان و از شخصیت‌های ثقه و مورد اعتماد حدیث و روایت است حتی از امام (ع) نقل شد که حضرت (ع) فرمود: ابوحمزه زمان خود، مانند سلمان عصر بوده است. بزرگانی مانند: حسن بن زین الدین عاملی (م: ۱۰۱۱ هـ) خویی (م: ۱۴۱۳ هـ) سید محمد علی الأبطحی (معاصر) و دیگران گفتهای نجاشی را نقل کرده‌اند.

هم چنین شیخ (م: ۴۶۰ هـ) روایت می‌کند: فضل بن شاذان گفت از ثقه شنیدم که می‌گفت: شنیدم امام رضا علیه السلام می‌فرمود: ابوحمزه ثمالی در زمان خود مانند سلمان زمان بود او چهار تن از ما را خدمت کرد مانند علی بن الحسین، محمد بن علی و جعفر بن محمد و برهه‌های زمان نیز به موسی بن جعفر علیهم السلام.

توثیق امام بسیار مهم است و یکی از راه‌های کشف عدالت و اطمینان به راوی شمرده می‌شود که در احوال ابوحمزه ثابت شده است و با این که توثیقات و گواهی عالمان رجال، در بارهای او موجود است اما ملاحظه می‌شود که محمد باقر بهبودی به آنها توجه نشان نداد حتی راوی مورد تأیید امام علیه السلام را موثق ندانست که چنین شیوه، شگفت‌انگیز است.

اما در واقع ابوحمزه ثمالی، ضمن توثیق خاص امام، توثیق عام نیز دارد. علامه خوئی می‌فرماید: در گذشته روشن شد که وثاقت فرد به اخبار ثقه ثابت می‌شود فرقی نمی‌کند که فردی به وثاقت شخص معین گواهی دهد یا ضمن جماعتی؛ و مهم گواهی وثاقت است چه این گواهی به دلالت مطابقی یا تضمنی باشد از این رو به وثاقت جمیع مشایخ علی بن ابراهیم حکم می‌کنیم و کسانی را که در تفسیر از او تا انتهای سند به یکی از معصومان، حدیث روایت کرده باشند. و ابوحمزه ثمالی در سلسله هر سندی قرار گیرد مشمول حکم به وثاقت خواهد شد.

نکته دوم - بررسی یک نسبت. یکی از قدح‌های که موجب جرح ابوحمزه شده است نسبت شرب نبیذ به اوداده‌اند که از اشکالات بهبودی محسوب می‌شود با آن که ادامهای روایت از توبه وی خبر می‌دهد اما وی می‌گوید: «ادعای وی در توبه از ترک شرب نبیذ پذیرفته نیست». چنین

داوری بهبودی در استناد به بخشی از روایت، شگفت انگیز است از طرفی نیز ثابت شده است که طعن شرب نبیذ بر ابوحمزه تهمت است.

در احوال ابوحمزه ثمالی نوشته‌اند: تهمت باطله؛ دو روایت از گشی در دست است که نشان می‌دهد به ابی حمزه نسبت شرب نبیذ داده شده است اما علماء فن پس از بحث ثابت کرده‌اند که اصل نسبت واقعه، موضوع و مردود هست. سپس در پایان می‌گوید از دو روایت آشکار می‌شود که آنها جزء دروغ‌های در تخریب شخصیت‌های بارز شیعه است دشمنان اسلام در بارهای امیرالمؤمنین امام متقین علی بن ابی طالب (ع) گفته‌اند که مراد از آیه خاص شریفه، نساء آن حضرت است! نیز آنها هشام بن حکم را به اعتقاد تجسیم، متهم کرده آن را به مذهب تشیع نسبت داده‌اند، به مؤمن الطاق، زراره بن اعین و غیر آنها تهمت‌های زشتی زده‌اند و به کسانی نسبت‌های را داده‌اند که هیچ طعنی برای آنها وجود ندارد چون اصحاب ائمه بوده‌اند پس چگونه است که جناب ابوحمزه ثمالی از چنین طعنی مصون باشد؟

نظر به دیدگاه موجود عالمان در بارهای ابوحمزه، علامه خویی نیز پس از بیان نسبت‌های متذکره در پاسخ به اتهامات آن‌ها می‌نویسد: علی‌ای حال علی بن الحسن بن فضال، ابوحمزه را درک نکرده است تا شرب نبیذ او خبر از حس باشد بلکه او شیئی را شنیده است نیز احتمال دارد که او بر اخبار افراد غیر ثقة اعتماد کرده باشد یا اینکه ابا حمزه، نبیذ حلال را شرب کرده باشد پس علی بن الحسن فضال گمان برده است که مشروب او حرام است. خلاصه هرگونه که تصور شود پس از شهادت صدوق به عدالت ابوحمزه نمی‌تواند خدشه وارد شود هم چنین شهادت نجاشی که او از برگزیدگان اصحاب ماست تأیید می‌کند که ابو حمزه مانند سلمان یا لقمان است در زمان خویش. پس نمی‌توان گفت که وی با صرف اتهام شرب نبیذ از دائرة عدالت خارج شده پس باید روایت‌های او مردود باشد به خصوص آن زمان که رواج چنین شایعاتی در خصوص موالیان حضرت امیر علیه السلام جهت طعن به اصحاب ائمه بسیار وجود داشته است و هرگز نسبت شرب نبیذ صحت ندارد. هم چنین طبق گواهی علامه خویی، ابوحمزه ثمالی در سلسله‌های هر سندی که قرار گیرد به سبب دلایلی حصول علم به وثاقت او در مقام عدالت قرار گرفته روایت‌های او معتبر خواهد بود.

دو - ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد البرقی (م: ۲۷۴ هـ یا ۲۸۰ هـ)

از دیگر راویان حدیثی کلینی، که بهبودی در تضعیف او کوشید ابو جعفر احمد بن محمد بن

خالد البرقی است. وی در کافی هزار و هفت صد هفتاد و سه روایت دارد. سه کتاب دیگر هشت صد و پنجاه و یک روایت از او نقل کرد. بهبودی درباره او می‌گوید: احمد بن محمد بن خالد برقی ثقة هست اما از ضعفاء روایت می‌کند و مراسیل را معتمد می‌شمارد. بهبودی در ادامه می‌گوید: «پس از تتبع در روایات او چنین یافتیم که از نسخه‌های روایت‌های جعلی و موضوع، روایت می‌کرد و بر سند ثقات اثبات می‌رساند». در خبر دیگر می‌گوید: این مرد از ضعفاء بسیار روایت می‌کند و نقل او از نسخه‌های مرسل به نحو وجاده است بدون مناوله و سماع و بدون اینکه در روایت آنها احتیاط به خرج دهد و یقین یابد که نسخه مورد استناد، صحیح است یا بدون این که نسبت نسخه‌های را به مؤلف آن ثابت کند روایت می‌کند که بدین ترتیب حدیث او مردود است..

با توجه به دو گفته‌های بهبودی، احمد بن محمد بن خالد البرقی - از راویان ضعفیت شمرده شده است و به همین دلیل روایت‌های او را در کتاب خویش موسوم به صحیح کافی نیاورده است.

ملاحظه: اما در دیدگاه بهبودی درباره توصیف او به ضعف برقی ملاحظه است، اولاً: هرگاه به طریقه‌های مقرر علمی ثابت شد که شخص محدث و ثقات دارد و مورد اعتبار است چگونه او به صفتی وصف می‌شود که مخالف آن است؟ این در حالی است که مذمت او در روایتی هم دیده نشده است اما وی [= بهبودی] می‌گوید: برقی از ضعفاء نقل می‌کرد؟ اما به گواهی اشخاصی مانند نجاشی راوی ثقة است مردم به صفت محدث مورد اطمینان او را می‌شناسند با این وجود چگونه همان مردم او را در این حال با اطمینان شناسند؟ ثانیاً: گزارش نجاشی با خبر صفدی (م: ۷۶۴ هـ)، و حموی (م: ۶۲۶ هـ) مطابقت دارد. بدین معنا که این دو نفر خبر تضعیف را یا از نجاشی گرفته‌اند یا از متن سوم که نجاشی و حموی و صفدی از آنها نقل کرده‌اند. اما اخذ نسبت واقعه از طرف سوم روشن نیست به علاوه نجاشی صد سال از زمان برقی متأخر است. و گواهی او به ضعف برقی روایت حدسی است نه حسی از این رو بر تضعیف او مطالبه‌های دلیل می‌شود.

ثالثاً: مویدان وثاقت برقی، بسیار است، عالمانی مانند ابن‌عبدیس حلی (م: ۵۹۸ هـ) و غیره گواهی داده‌اند که برقی از ثقات است. چنانکه وی گفت: ابی نصر بزنطی، خالد برقی و محمد بن عیسی از نامبردگان سه گانه‌های ثقات هستند هم چنین حر عاملی، (م: ۱۱۰۴ هـ) گفت: شیخ طوسی او را اصحاب امام جواد علیه السلام بیان کرد. هم چنین در خبر دیگر نجاشی

و علامه و غیر آن دو نیز برقی را توثیق کرده‌اند و در بارهای او ثنا گفته‌اند هم چنین، شماری از اصحاب، خالد برقی را از راویان جوامع حدیثی و کتب اربعه کافی، فقیه، استبصار و تهذیب دانسته‌اند

رابعاً: یکی از اشکالات بهبودی این است که می‌گوید: برقی روایت‌های مرسل نقل می‌کرد. اما پاسخ چنین است که نقل مرسل از محدثی که به مواقع صدور حدیث عارف است عیب شمرده نمی‌شود و نمی‌تواند دلیلی باشد که همه‌ی روایت‌های او مردود یا ضعیف تلقی شود، برخی مراسلات از متسالم علیهم است که اصحاب مذهب بر صحت آنها اجماع دارند این امر به فرقه خاص اختصاص ندارد.

در همین باره عالمان اهل سنت نیز دیدگاه مشترک دارند روایت‌های صحابه و مراسلات آنها حتی مراسلات تابعان را با اطمینان صدور قبول کرده‌اند برخی پیروان فرقه‌های فقهی مانند احناف مرسل را قوی‌تر از مسند گفته‌اند به دلیل تضمینی که گوینده‌های آن داده است چرا تطبیق چنین قاعده در مذهب شیعه دریغ گردد و راویان آن به سبب امر غیر قاذح نقل مرسل، مردود الروایه تلقی شوند؟

به علاوه در نظر شهید ثانی (م: ۱۰۳۰ هـ) نقل حدیث مرسل موجب قذح راوی نیست. او می‌گوید: گاهی در ذهن خطور می‌کند که اعتماد ثقه بر مراسیل شایسته نیست و قذح شمرده شود اما نقل روایت مرسل از نگاه محدث خبره به اجتهاد او بر می‌گردد. مگر گفته شود که مقصود از روایت مرسل بدون وجه ارسال است در چنین فرض است که نقل مرسل، نوعی تدلیس شمرده می‌شود که مقتضی قذح است. ولی این دیدگاه نیز اشکال دارد زیرا برخی عالمان علم درایه، اجازه‌های روایت را بدون لفظ اجازه تجویز کرده‌اند با این فرض اگر کسی مرسل نقل کند به وثاقت راوی زبانی نمی‌زند به‌ویژه که مذهب چنین راوی نقل به مرسل باشد و در کلام نجاشی [= درباره برقی] اگر تأمل شود قذح مفهوم می‌شود اما ما در مقام تأیید برقی آن را آوردیم به سبب این که روایت ثقه از ضعف اندک است. و هرگاه راوی ثقه از ضعیفی روایت کند وجه آن را می‌گوید اما از مثل ثقه‌های جلیلی مانند محمد بن یعقوب کلینی اگر از فردی که گویا گفته شده است ضعف دارد روایت کند آن را بیان می‌کند. پس در نقل راویان جلیل القدری که از فردی متهم به ضعف، روایت کند نمی‌توان چنین تصور کرد که او بدون توجه به ملاک‌های حدیثی حاکم و شروط لازم آن را قبول کرده است.

افزون بر آن نقل راوی مرسل پس از آن که روایت او در جایی دیگر اثبات شد نیز مورد اعتبار

است شیخ حر عاملی (م: ۱۱۰۴ هـ) می‌گوید: برقی و کشی که از ضعفاء روایت کرده‌اند بدین سبب است که روایت‌های آن دو با ثقات موافق‌اند گویا روایت‌های آنها موید روایات ثقات‌اند اما کمتر فقیهی را می‌توان شناخت که روایت‌های او از ضعفاء خالی باشد ولی زمانی که روایت‌های آنها متواتر باشد یا قرائنی بر صدور صحت آنها دلالت کند هیچ اشکالی در نقل آنها نیست.

و چنین نظر، مطابق دیدگاه عالمان متأخر و معاصر نیز هست که راوی محدث به قراین دال بر صحت صدور حدیث، ترتیب اثر می‌دهد و می‌پذیرد. - علامه سبحانی (معاصر) می‌گوید:

«در اصطلاح قدما، صحت حدیث به معنی وثوق و اطمینان و به صدور روایت از معصوم می‌باشد، خواه این وثوق، مولود وثاقت راویان آن حدیث باشد یا معلول یک رشته قرائنی که صدور حدیث را از معصوم کاملاً تصدیق تأیید نماید، اتفاقاً این اصطلاح در مذاکرات روزانه ما نیز حاکم است.»

بدین ترتیب دیدگاه انتقادی بهبودی در باره برقی که گفت وی از ضعفاء روایت می‌کند و بر مراسیل اعتماد دارد قابل توجه نیست چون عالمان نامدار پیش گفته به وثاقت برقی گواهی داده‌اند به علاوه دیدگاه بهبودی با عالمان قدیم و جدید در بارهای بحث اعتماد راوی بر خبر مرسل همسانی ندارد ملاک در قبول خبر بعلاوه این که امر اعتماد برای برخی اجتهادی است بر حصول یقین از صدور قراین قطعی مشروط است.

سه: ابو جعفر محمد بن عیسی بن عبید یقطینی

از شخصیت‌های دیگر حدیثی که به نظر بهبودی بایستی روایت‌های او کنار گذاشته شود ابو جعفر محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است. وی از راویان مکثر حدیث است کلینی، هفت صد و پنجاه و شش حدیث از او در کافی نقل کرد سه کتاب دیگر شش صد و نود و پنج روایت از او نقل نموده‌اند...

بهبودی در بارهای تضعیف محمد بن عیسی کلمه غلات را بکار برد؛ وی در استناد به رجال کشی گفت: محمد بن عیسی بن عبید یقطینی ضعیف است. هم چنین او روایت می‌کند که گفت: جعفر بن معروف گفت نزد محمد بن عیسی رفتم تا حدیث بنویسم دیدم که او قلنسوهای سیاه بر سر گذاشته بود ... بهبودی می‌گوید: الثقلنس بالسواد یعنی کلاه سیاه بر سر نهاد یا جامه‌های سیاه پوشید و از ابتدای امر تا امروز استفاده از قلنسوه، زی غلات بوده است از این جهت جعفر بن معروف حدیث او را ترک کرد و بعد از آن ندامتش شدید شد چون او در بزرگ سالی به مذهب

غلاه رفت.

هم چنین بهبودی با روزنامه‌های کیهان مصاحبه‌ای دارد و در بارهای روایت‌های محمد بن عیسی می‌گوید: شما [=خطاب به یکی از منتقدان] مقبوله عمر بن حنظله را جزء صحاح شیعه یاد کرده‌اید، ولی نمی‌دانید که در سند این حدیث محمد بن عیسی بن عبید یقطینی قرار دارد که در شمار غلات است. بدین ترتیب یکی از راویانی ضعیف در نظر بهبودی که روایت‌های او را مردود دانست ابو جعفر محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است.

ملاحظه: چنین نیست که محمد بن عیسی ضعیف باشد درباره ایشان نکاتی مطرح می‌شود نکته اول: مقبولیت روایت‌های او اولاً در باره این دیدگاه بهبودی که راوی مقبوله‌ای عمر بن حنظله را به غلات توصیف کرد باید گفت که مقبوله موصوف از روایت‌های مشهور است و عالمان امامیه بدان توجه کرده‌اند در مبحث تعادل و تراجیح بدان استناد شده است که این روایت نزد اصحاب به مقبوله عمر بن حنظله شهرت یافته است.

ثانیاً: بهبودی در بارهای امر مورد منازعه، نظر قطعی داده است که می‌توان گفت دیدگاه شخصی محسوب می‌شود در حالی که طبق قول صحیح، نسبت غلو به راوی مورد بحث، ثابت نیست. به راستی آیا پوشیدن قلنسوه غلات یا صرف پوشیدن جامعه‌های متعلق به فرقهای دیگر موجب می‌شود که فرد در گرایش اعتقادی نیز همسو با آنها باشد؟ موارد فراوان تاریخی وجود دارد که ثابت می‌کند گاهی برخی علما برای اینکه فرقه‌های گمراه را هدایت کنند در زی آنان در می‌آمدند چون با لباس مذهبی خویش نمی‌توانستند توفیق به دست آورند ناچار می‌شدند لباس مردم مخاطب آن سامان را پوشیده در حلقات علمی آنان به بحث و نقد پردازند که چنین شیوه در سیره علمای متأخر مشهودتر است. اما هیچ‌گاه بدان حکم نمی‌شود که پوشیدن لباس قومی به معنای همراهی با اعتقاد همان مردم هست. موضوع در این باره چنان جدی است که عصیت‌های قومی امروز نیز حکم می‌کند که الزامات آداب فرهنگی برخی اقوام و مذاهب رعایت شود.

ثالثاً: در ملازمه بین لباس و اعتقاد فرد باید علامتی گفتاری یا کتبی دال بر گرایش اعتقادی در شخص متلبس مشاهده شود و شخص نیز بر گرایش خاص معترف باشد یا گواهانی خبره‌ای، تهمت همراهی پوششی را روایت کنند تا نسبت اتهام از احتمال و تأویل خارج گردد اما حرکت‌های فاقد بیان شخص یا مشاهدات تصادفی دیگران، نمی‌تواند دلیل علمی تبعیت برای دیگری تلقی شود که قصه‌های مورد بحث درباره محمد بن عیسی یقطینی چنین است به علاوه آیا تلبس به زی خاص به طور مطلق می‌تواند نشان گرایش اعتقادی شخص باشد؟ پس اگر چنین

است می‌توان گفت که فردی غیر متلبس به عرف خاص اعتقادی نیز نمی‌تواند از مذهب منتسب آگاهی داشته باشد این جا نیز باید گفت که آیا لباس پوشیدن فرد مدعی صاحب اندیشه از نا آگاهی لازم اعتقادی او کشف می‌کند؟ هیچ کسی چنین لازمه را قبول ندارد.

نکته دوم: دیدگاه‌های علما درباره او

علما در باره محمد بن عیسی و جایگاه او دیدگاه‌های مهم دارند که باید آنها را نیز مد نظر گرفت:

یک: علامه حلی - مقبولیت جایگاه او در روایت

علامه حلی (م: ۷۲۶ هـ) در گزارشی می‌گوید که اصحاب درباره محمد بن عیسی اختلاف دارند: برخی او را ضعیف دانسته‌اند که مذهب غلات داشته است برخی دیگر نیز مانند گشی گفت که علی بن محمد قتیبی گفت: فضل بن شاذان محمد بن عیسی عبیدی را دوست می‌داشت و بر او ثنا می‌گفت و گرویده‌های او بود. همیشه می‌گفت: کسی در میان همگنان ما، مانند محمد بن عیسی نیست نجاشی نیز گفت که وی بین اصحاب ما مرد بزرگوار است ثقه و شخصیت، محسوب می‌شود روایت‌های فراوان دارد خوش تنظیم است از ابو جعفر علیه السلام به نحو مشافهه و مکاتبه، روایت‌های داشته است ... نجاشی می‌گوید: اصحاب ما برخی گفته‌های را که درباره محمد بن عیسی عبیدی یقطینی روایت کرده‌اند انکار می‌کنند و می‌گویند: چه کسی به پایهای عظمت ابوجعفر محمد بن عیسی می‌رسد علامه حلی می‌گوید: قول قوی‌تر درباره محمد بن عیسی نزد این است که روایت‌های او قبول می‌شود.

دو: نجاشی (م: ۴۵۰ هـ) می‌گوید: محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین بن موسی مولی اسید بن خزیمه ابوجعفر، از شخصیت‌های بزرگوار ثقه و شاخص اصحاب است او روایت فراوانی دارد و صاحب تصنیفات نیکو است. او به نحو مشافهه و مکاتبه از امام جواد علیه السلام روایت دارد ابوجعفر ابن بابویه از ابن ولید روایت کرد که گفت: متفردات محمد بن عیسی از کتاب‌های یونس و حدیث او قابل اعتماد نیست و دیدی که اصحاب ما روایت‌های مردود محمد بن عیسی را منکر می‌شوند و می‌گویند: چه کسی به مرتبه ابوجعفر محمد بن عیسی می‌رسد؟ هم چنین ابو عمر کشی گفت که نصر بن صباح می‌گوید: محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین سال کمتری داشت که از ابن محبوب روایت کند و بعد گواهی قتیبی را نقل می‌کند ... آن گاه نجاشی می‌گوید درباره شخصیتی مانند محمد بن عیسی چنین ثناهای از طرف اصحاب است که بر فضل او دلالت می‌کند. آن را بنگرید.

سه: محقق اربیلی - گواهی نجاشی بر وثاقت او
محقق اردبیلی (م: ۹۹۳ هـ) نیز با بیان اختلافی که بین اصحاب و جود دارد می‌گوید قول دوم آن است که وی ثقة است نجاشی به وثاقت او تصریح کرد.

چهار: سید بحر العلوم - توثیق معاجم رجالی
در فواید رجالیه سید بحر العلوم (م: ۱۲۱۲ هـ) آمده است؛ عبیدی، همان ابوجعفر محمد بن عیسی است و لؤلؤی حسن بن حسین لؤلؤی است نجاشی و دیگر ارباب معاجم رجالی هر دوی آنها را توثیق کرده‌اند.

پنج: آقا بزرگ تهرانی - راوی مکاتبه از حضرت امام (ع)
آقا بزرگ تهرانی (م: ۱۳۸۹ هـ) نیز به ارتباط شفاهی و کتبی او با امام علیه السلام اشاره کرده ضمن معرفی تفسیر او چنین می‌گوید: یقطینی همان ابوجعفر محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین مولی بنی اسید است که از ابی جعفر ثانی جواد علیه السلام به نحو مکاتبه و مشافهه احادیثی را روایت کرد.

شش: بروجردی - راوی سند کامل الزیارت
بروجردی (م: ۱۴۱۳ هـ) در تقریر عروة می‌گوید: خلاصه این که مدار تضعیف محمد بن عیسی و امر او به ابن الولید مرحوم منتهی می‌شود لکن به کلام ابن الولید اعتنا نمی‌شود زیرا امامیه نسبت ضعف را به محمد بن عیسی منکر شدند و همان گونه است که به چنین گفته، کلام نجاشی صراحت دارد آنجا که او گفت: دیدم که اصحاب ما چنین نسبت را منکر می‌شوند و می‌گویند: کیست که به درجه مقام مانند ابوجعفر محمد بن عیسی برسد در حالی که نجاشی با صراحت او را توثیق کرد و بر او ثنا گفت.

و قول ابی العباس بن نوح که گفت: دیدگاه شیخ ما ابو جعفر محمد بن الحسن بن الولید درباره همه روایان صحیح است و ابو جعفر بن بابویه گفته‌ای او را بر توثیق روایان، متابعت کرد جز درباره محمد بن عیسی بن عبید؛ من آن را نمی‌دانم که او چرا به تردید افتاد چون وثاقت و عدالت محمد بن عیسی ثابت است بلکه گذشته از آن، قتیبی گفت که فضل بن شاذان همیشه محمد بن عیسی عبیدی را دوست می‌داشت و بر او ثنا می‌گفت و او را به نیکی توصیف می‌کرد و به او گرایش خاص داشته می‌گفت: بین همسان‌های او مانندش نیست. با این توثیقات و انکار مذمت‌های یاد شده درباره‌های او به وسیله اصحاب، امکان ندارد که بر مقاله دال بر خبر ضعف او اعتماد شود با این که او در اسناد کامل الزیارات است از این رو روایت راوی متذکره به صحت

متصف می‌شود.

هفت: دیدگاهی در نفی تضعیف

شهید ثانی (م: ۱۰۳۰ هـ)، درباره دیدگاه اصحاب مبنی بر تضعیف محمد بن عیسی از طریق ابن ولید می‌گوید: به نظر قاصر من در مقام تضعیف پیش گفته امور تعجب بر انگیزی وجود دارد: اول نجاشی توثیقی را بیان کرد که گفتیم آنگاه که گفت ابوجعفر بن بابویه از ابن ولید گفت: بر متفردات محمد بن عیسی از کتاب‌های یونس و حدیث او اعتماد نیست اما اصحاب ما چنین تضعیف را انکار می‌کنند و می‌گویند مانند ابوجعفر کیست؟. اما باید در نظر داشت که دلیل عام است به همه‌ای متفردات راوی عمل نمی‌شود چه از محمد بن عیسی باشد یا غیر آن؛ چنانکه عادت متقدمان است که به راوی خبر واحد عمل نکنند و از کلام نجاشی بعد از توثیق قدح فهمیده شد اما ظاهر این است که نقل روایت از او موجب قدح نمی‌شود پس این امر وجهی، برای انکار ندارد بل که بهتر است که گفته شود این جا تنبیه داده شود که اصل، عدم قدح محمد بن عیسی است آن گاه شهید وجوه دیگر را نیز می‌شمارد.

هشت: نراقی - انتفاء نفی غلو به صحابه امام (ع)

نراقی (م: ۱۳۱۹ هـ) می‌گوید: ملخص گفتار این است که فضل بن شاذان او را ثنا گفت چنین گفته‌ای او در توثیق، صریح است عالمانی مانند کشی و قتیبی ثنای او را تقریر کرد. نجاشی هم گفت: نسبت تضعیف به ابوجعفر مورد انکار اصحاب قرار گرفته است... و معدلان اصحاب درباره محمد بن عیسی به چهار شخصیت می‌رسند... و اما تضعیف کننده آن دو تن هستند که چهار با دو معارضه می‌کند دو معدل سالم می‌ماند اما مهم‌تر این که شیخ با تعبیر «قیل» گفت یعنی او مذهب غلاة داشت دلالت بر تمریض قول می‌کند... گفتار قوی‌تر، صحت وثاقت محمد بن عیسی بن عبید است که از اصحاب سه امام حضرات رضا، جواد و هادی (ع) شمرده می‌شود نه: رضا بصری - احقیت قبول در روایات

هم چنین رضا البصری (م: ۱۰۸۵ هـ) صاحب فائق المقال نیز می‌گوید: قول قوی‌تر درباره ایشان نزد من این است که روایت‌های وی مقبول است.

ده: تستری - ادعای بر وثاقت اجماع، محمد تقی تستری، (معاصر) چنین می‌گوید: در تحقیق محمد بن عیسی بن عبید باید گفت اول کسی که او را تضعیف کرد ابن الولید بود آنگاه ابن بابویه جهت حسن ظن به استاد، از وی تعبیت کرد چنان که از کلام ابن نوح و گفتار صوم فقهی دانسته می‌شود: خبری را که شیخ ابن بابویه ابن ولید صحیح ن‌شمارد نزد او هم صحیح نیست و ابن

بابویه جهت حسن ظن به شیخ آن را متابعت کرد همین مطلب از فهرست نیز دانسته می شود این هنگام گویی مضعف محمد بن عیسی به ابن ولید منحصر است و به راستی روشن نیست پس از قول به ظاهرالعدالة، چرا او در عدالت تردید می کند؟ شاید منشاء شک روایت های او قدح های عظیمی باشد که در راویانی مانند زرارة، محمد بن مسلم، مؤمن الطاق، ابی بصیر، برید عجل و اسماعیل جعفی باشد که آنها از اجلاء اند هم چنین در روایت های مفضل یا یونس بن عبدالرحمن از امام علیه السلام باشد که می فرماید: اغستال به ماء ورد جایز بوده در کافی آمده است اما کسانی که از ابن ولید مقدم اند یا معاصر یا متأخر اند در مذمت محمد بن عیسی تبعیت نکرده اند مانند: فضل بن شاذان، به ورق الورع، قتیبی، جعفر بن معروف، الکشی، ابن نوح، و نجاشی همه بر جلالت راوی اجماع دارند هم چنین در فضل محمد بن عیسی کفایت می کند شخصیتی مانند فضل بن شاذان ثنا گوید چنان که نجاشی بدان گواهی داد.

بدین ترتیب محمد بن عیسی از راویان موثق اخبار اهل بیت است که در کافی و منابع حدیثی دیگر روایت های فراوان دارد. استاد باقر بهبودی که او را در شمار ضعفا قرار داد اما ثابت شد که طبق دیدگاه بیشتر عالمان وی ضعیف نیست بلکه در مقام عالی فضل نیز قرار دارد. گاهی وی روایت های متفرد داشته که نقص به شمار نمی رود دآب عالمان قدیم چنین است که روایت متفرد را نپذیرند مگر با ضمیمه. به علاوه معدلان محمد بن عیسی بسیار اند و جارحان او اندک که پس از معارضه معدلان بیشتر اند این در حالی است که برخی به سبب گواهی نجاشی به وثاقت او دلیل ضعف را نمی پذیرند و گواهی جماعت اصحاب مانند فضل بن شاذان که محمد بن عیسی را ثنا گفت جایی برای تضعیف باقی نمی گذارد اما در باره نسبت او به غلو که از شیخ نقل شد تعبیر قیل آمده است که دلالت بر تمریض می کند به همین سبب بیشتر علما در نسبت او به غلو سخنی به میان نیاورده اند از این رو تضعیف محمد بن عیسی توسط بهبودی وجهی ندارد. پس وی راوی ثقه است که روایت های او در کمال اعتبار قرار دارد.

نتیجه:

از مباحث پیشین استاد بهبودی در انتقادگزینش اولیه جامع کافی و تضعیف برخی راویان آن ثابت شد:

اولاً: این گفتهای او ثابت نیست که کلینی از سه صد هزار حدیث بین شیعه، شانزده هزار روایت را برگزیده است این نظریه‌ای او بدیع و منفرد بوده هیچ طرفداری بین شیعه ندارد و در واقع به شدت غریب نیز است این نوع گزینش گری به همسانی انتخابات کتب عامه شباهت دارد افزون بر آن ثابت شد که حافظ ابن عقده، جامع احادیث مجمع علیه یا مقبول اصحاب نیست او مورد نزاع است ادعای او نمی‌تواند مستند مراجعات صحیح علمی باشد چنان که نگاه بدیع گزینش مزبور بین قدما طرفدار ندارد از معاصران امروز مانند علامه سبحانی نیز آن را مردود دانست.

ثانیاً: ثابت شد سه محدث کثیر الروایه از باب شاهد که در کتب اربعه به‌ویژه کتاب کافی روایت دارد مانند ابو حمزه، برقی و یقطینی همه آنها ثقه و عادل‌اند که از شخصیت‌های مورد وثوق طائفه، محسوب می‌شود چنان که در مباحث گذشت: شهادت شخصیت‌های علمی مذهب بر اطمینان در وثاقت و مراتب فضل آنها کفایت می‌کند و برخی نسبت‌های غلو یا ادعای اعتماد به مراسیل یا ضعفاء به راویان حدیثی شیعه چنان که بهبودی درباره سه راوی مزبور بدان اعتقاد یافته است با مبانی علمی و تحقیقی مطابقت ندارد. و روشن شد که نگاه انتقادی بهبودی در نحوهای گزینش خاص جمعی از میان شمار احادیث تعیین شده ابن عقده غیر امامی و هم چنین دیدگاه او درباره تضعیف برخی رجال نامبرده راویان حدیث کافی از استدلال کافی برخوردار نیست.

کتابنامه

١. اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی): الشيخ الطوسی، وفات: ٤٦٠ هـ تصحیح وتعلیق: میر داماد الأسترابادی / تحقیق: السيد مهدي الرجائي، ناشر: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث
٢. استقصاء الإعتبار فی شرح الإستبصار: محمد بن الحسن بن الشهيد الثاني، وفات: ١٠٣٠ هـ تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ: الأولى، ١٤١٩، - قم، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث،
٣. الأعلام: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: ١٣٩٦ هـ)، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - ٢٠٠٢ م
٤. تاريخ بغداد: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣، دار الكتب العلمية - بيروت -
٥. التحرير الطاووسي: حسن بن زين الدين العاملي، وفات: ١٠١١، تحقيق: فاضل الجواهري، چاپ: الأولى، سال چاپ: ١٤١١، چاپخانه: سيد الشهداء (ع) - قم، ناشر: مكتبة آية الله النجفي -
٦. تفسير أبي حمزة الثمالي: أبو حمزة الثمالي، وفات: ١٤٨ هـ، تحقيق: أعاد جمعه وتأليفه: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين / مراجعة وتقديم: الشيخ محمد هادي معرفة، چاپ: الأولى،: ١٤٢٠ هـ - ١٣٧٨ ش، مطبعة الهادي، ناشر: دفتر نشر الهادي،
٧. تهذيب المقال في تنقيح كتاب رجال النجاشي: السيد محمد علي الأبطحي، چاپ: الأولى، سال: ١٤١٢، چاپخانه: سيد الشهداء (ع) - ناشر: ابن المؤلف - السيد محمد. قم،
٨. الجامع للشرايع: يحيى بن سعيد الحلبي، وفات: ٦٨٩ هـ، تحقيق وتخریج: جمع من الفضلاء / إشراف: الشيخ جعفر السبحاني، سال چاپ: ١٤٠٥، المطبعة العلمية - قم، ناشر: مؤسسة سيد الشهداء -
٩. خلاصة الأقوال: العلامة الحلبي، وفات: ٧٢٦ هـ، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، چاپ: الأولى، ١٤١٧، مؤسسة النشر الإسلامي، ناشر: مؤسسة نشر الفقهاء
١٠. الذريعة، آقا بزرگ الطهراني، وفات: ١٣٨٩، ناشر: دار الأضواء - بيروت - لبنان

۱۱. سیر أعلام النبلاء: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايمَاز الذهبی (المتوفى: ۷۴۸ هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م
۱۲. شرح العروة الوثقى - الصلاة (موسوعة الإمام الخوئي): تقرير بحث السيد الخوئي للبروجردی، وفات: ۱۴۱۳، چاپ: الثانية: ۱۴۲۶ - ۲۰۰۵ م، ناشر: مؤسسة إحياء آثار الأمام الخويي قدس سره
۱۳. شعب المقال في درجات الرجال: ميرزا أبوالقاسم النراقي، وفات: ۱۳۱۹، تحقيق: الشيخ محسن الأحمدي، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۲، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، ناشر: مؤتمر المحقق النراقي (کنگرهای بزرگداشت نراقي)
۱۴. العقاید: علامه محمد باقر المجلسي، الناشر: تحقق: حسين درگاهي؛ مؤسسة الهدى للنشر والتوزيع، الطبعة الاولى، ۱۳۷۸ هـ ش / ۱۴۰۲۰ هـ ق.
۱۵. فائق المقال في الحديث والرجال: أحمد بن عبد الرضا البصري، وفات: ۱۰۸۵، تحقيق: غلامحسين قيصريه ها، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۲۲ - ۱۳۸۰ ش، ناشر: دار الحديث، قم
۱۶. الفوائد الرجالية: السيد مهدي بحر العلوم، وفات: ۱۲۱۲، تحقيق وتعليق: محمد صادق بحر العلوم، حسين بحر العلوم، چاپ: الأولى،: ۱۳۶۳ ش، ناشر: مكتبة الصادق - طهران
۱۷. فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشي): النجاشي، وفات: ۴۵۰، چاپ: الخامسة، ۱۴۱۶، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين به قم المشرفة
۱۸. فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشي):، النجاشي، وفات: ۴۵۰، چاپ: الخامسة، ۱۴۱۶، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين به قم المشرفة
۱۹. قاموس الرجال: الشيخ محمد تقی التستري، وفات: معاصر، چاپ: الاولى، سال چاپ: ۱۴۱۹ هـ / قم، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين به قم المشرفة
۲۰. الكافي (ط - الإسلامية): كليني، محمد بن يعقوب، تاريخ وفات ۳۲۹ ق، محقق / مصحح: غفاري على اكبر و آخوندي، محمد، ناشر: دار الكتب الإسلامية: تهران
۲۱. گزیده کافی: كليني، محمد بن يعقوب، وفات: ۳۲۹ ق، مترجم: بهبودی، محمد باقر، ناشر: مركز انتشارات علمی و فرهنگی

۲۲. مجله علوم حدیث، شماره ۴۹ و ۵۰ سال ۱۳۸۷ درجه علمی: علمی - پژوهشی.
۲۳. مجمع الفائدة: المحقق الأردبیلی، وفات: ۹۹۳، تحقیق: الحاج آغا مجتبی العراقي، الشيخ علی پناه الاشتهاردی، الحاج آغا حسین الیزدی الأصفهانی، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۴، مؤسسة النشر الإسلامی، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين به قم المشرفة
۲۴. مستطرفات السرائر «باب النوادر» (موسوعة ابن إدريس الحلّي): ابن إدريس الحلّي، وفات: ۵۹۸، تحقیق: تحقیق وتقديم السيد محمد مهدي الموسوي الخرساني، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۲۹ - ۲۰۰۸ م، ناشر: العتبة العلوية المقدسة
۲۵. معجم الأدباء = إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب: شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي (المتوفى: ۶۲۶ هـ)، المحقق: إحسان عباس، ناشر: دار الغرب الإسلامی، بيروت، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳
۲۶. معجم الأدباء أو إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب، أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي (المتوفى: ۶۲۶ هـ)، دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م، الطبعة: الأولى
۲۷. معجم رجال الحديث، نویسنده: الخوئي، وفات: ۱۴۱۳، چاپ: الخامسة، سال چاپ: ۱۴۱۳ - ۱۹۹۲ م،
۲۸. معرفة الحديث وتاريخ نشره ونسبه وثقافته عند الشيعة الامامية، الشيخ محمد الباقر البهبودي، دارالهادی، للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى، ۱۴۲۷ هجری قمری / ۲۰۰۶ میلادی بيروت، لبنان.
۲۹. الوافي بالوفيات: صلاح الدين خليل بن أبيك بن عبد الله الصفدي (المتوفى: ۷۶۴ هـ)، المحقق: أحمد الأرناؤوط وتركی مصطفى، الناشر: دار إحياء التراث - بيروت، عام النشر: ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م،
۳۰. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (ع): الحر العاملي، وفات: ۱۱۰۴، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۴، چاپخانه: مؤسسة الطبع والنشر التابعة للآستانة الرضوية المقدسة، ناشر: مجمع البحوث الإسلامية - مشهد.